



۲۵/۱۱/۲۰۲۳



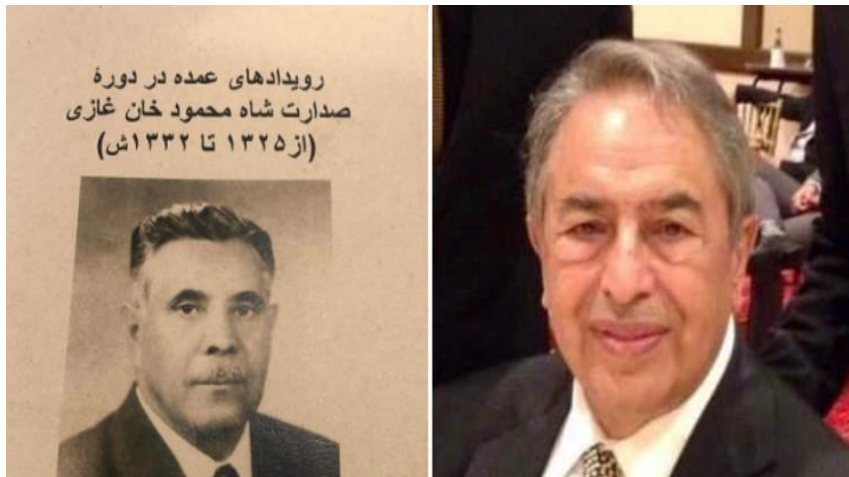
کانديد اکادميسين سيستاني

معرفی یک کتاب خوب:

## دورهٔ صدارت شاه محمودخان غازي

تالیف داکتر سيد عبدالله کاظم

اخيراً داکتر سيد عبدالله کاظم دانشمند اقتصاد و علوم اجتماعي و استاد سابق اقتصاد در پوهنتون کابل، یکی از تالیفات تاریخی خود بنام «دورهٔ صدارت شاه محمودخان غازي» را از روی لطف از امریکا توسط انجنیر قیس کبیر برای من فرستاده بودند که بدینوسیله از لطف و محبت شان ابراز امتنان مینمایم.



کتاب در ۴۲۳ صفحه مشتمل بر فهرست مندرجات ، پیشگفتار و بیست و سه فصل و چهار ضمیمه با عکسهای تاریخی بر روی کاغذ درجه اول با قطع و صحافت زیبا در سال ۲۰۲۰ میلادی در امریکا بچاپ رسیده است.

این اولین اثری است که با تفصیل در بارهٔ دورهٔ صدارت شاه محمودخان غازي (مشهور به پدر دموکراسی) نوشته شده است.

مؤلف در پیشگفتار خود در این باره مینویسد: «دورهٔ صدارت شاه محمودخان غازي با آنکه عمر نسبتاً کوتاه داشت، اما با وقوع رویدادهای مهم در تاریخ معاصر افغانستان یک دورهٔ پراز امید و یأس محسوب میشود. با آغاز این دوره فصل سرما و انجماد طولانی حاکم در فضای سیاسی و اجتماعی

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

کشور روبرو به تغییر گذاشت و رایحه بهاری بمشام رسید که نوید روزهای روشن را با نسیم خوشگوار آزادی و بشارت دموکراسی با خود همراه داشت. افسوس که که عمر این بهار کوتاه بود و به زودی بادهای هرسودمیدن گرفت و شگوفه های نورسته را که تازه از شاخسارهای رنج دیده از سرمای طولانی قید وزندان به امید رهای از مصیبت ها سرکشیده بودند، پر پرکرد و به زمین یأس فروریخت.» (ص ۷)

نویسنده در ادامه میگوید: «نویسندگان و محققان تاریخ کشور تا حال این دوره حساس و پرتحول و این بهارزودگذر دموکراسی را در کتابها و آثار خود بطور خلاصه و کوتاه مرور کرده و اغلب آنرا ضمن ادامه دوره های دیگر در چند صفحه کم و زیاد مورد بررسی قرار داده اند، همچنان کسانی دیگر که کتاب خاطرات خود را نوشته اند بیشتر از رویدادهایی به تفصیل یاد کرده اند که خودشان مستقیم یا غیر مستقیم در آن نقش داشته و یا اینکه شاهد و ناظر بعضی از وقایع بوده اند، و چشم دیدهای خود را بطور ضمنی بیان نموده اند. این نوشته ها و بیان خاطرات اکنون میتوانند ماخذ خوبی برای بررسی کامل این دوره محسوب شوند، ولی اتکای کامل به آنها یک اندازه مستلزم احتیاط و دقت میباشد، زیرا همچو آثار خواهی نخواهی به نحوی تحت تاثیر احساسات شخصی قرار داشته و مسلم است که آنها از موقف و یا نقش خود به دفاع برخاسته و انگشت انتقاد را بطرف مقابل دراز کرده اند.» (همانجا)

در این کتاب من به نکات مهمی پی بردم که قبل از مطالعه این کتاب از آن اطلاعی نداشتم، بطور مثال: من از مسافرت طولانی هفت ماهه اعلیحضرت ظاهرشاه به اروپا چیزی نمیدانستم مگر در این کتاب برای اولین بار بدان پرداخته شده است. افزون بر این من قبل از مرور این کتاب نمیدانستم که سندویم ورزشی کابل از ساخته های شاه محمود غازی است و به همین علت به غازی استدیوم یاد می شود.

در این کتاب برای اولین بار فهمیدم که اتحادیه محصلین پوهنتون کابل نقش مهمی در جنبش بیداری و مبارزه برای دموکراسی و تقبیح مفاسد اجتماعی و فرهنگی و رشوه گیری و واسطه بازی و خویش خوری در دوایر دولتی داشته است. تدویر کاتفرانسهای منظم هفته وار و ایراد خطابه های شدید انتقادی از ارکان دولت و نمایش درامه های انتقادی در صحنه تیاترلیسه استقلال و دعوت از اعضای کابینه برای تماشای این درامه ها از اقداماتی مهمی بوده است که اتحادیه محصلان در هر هفته از خود بروز میداده است .

بر اثر فعالیتهای اتحادیه محصلین بالاخره «درامه وحدت ملی» اثر مرحوم فضل ربیع پژواک در صحنه تیاتر استقلال بروی سن آمد که با وجود محتوای ملی با لحن انتقادی اجرا گردید و چون در صحن اجرای نمایشنامه مقاله ای نیز خوانده شد که مخاطب آن دولت بود حکومت را تکانه زد و واداشت تا فعالیت های اتحادیه محصلین را ممنوع اعلام کند و بسیاری از فعالین اتحادیه اخراج یا زندانی شوند.

مؤلف از قول داکترحسن شرق مینویسد که: «اگرچه درامه وحدت ملی به تناسب نوشته های محصلین مخالفت کمتری با دستگاه دولت تمثیل کرده بود، اما استقبال گرم و فضای آرام و تنقیدات عالمانه و موثر آن بمقامات صالحه طوری جلوه داده شده بود که این اتحادیه از حدود صلاحیت خود تجاوز و تمام مقامات را بشمول شاه و صدراعظم مورد انتقاد قرار داده است.» (ص ۲۴۸) شرق در ادامه میگوید که تمثیل آن درامه اتحادیه را شدیداً مواجه با عکس العمل حکومت خصوصاً شخص صدراعظم نمود. بعد از نمایش درامه وحدت ملی تمام کسانی که درامه را نوشته و تمثیل کرده بودند زندانی شدند و از همان زمان به بعد دو دسته گی در اتحادیه بروز کرد. عده ای طرفدار نرماش با دولت بودند و اکثریت محصلین خواهان آزادی بدون قید و شرط زندانیان شدند. (ص ۲۴۹)

من این نمایشنامه را در سال ۱۳۵۲ هنگامی که پوهاند فضل ربیع پژواک از طرف رئیس جمهورداودخان بحیث والی و رئیس عمومی وادی هلمند تعیین شده بود درتالار سینمای شهرلشکرگاه دیده ام و به یاد می آید که هریک از پرسناژنقش یکی از اقوام را در لباس و شمایل قومی خود نمایش میدادند و در آخر درگنارهم قرار گرفتند و دستان همدیگر را فشاردادند و برای دفاع از وطن حاضر بقربانی سروجان خود شدند اما من در آن زمان از سوابق این درامه اطلاعی نداشتم.

مؤلف زیرعنوان انحلال اتحادیه و زندانی شدن بعضی از اعضاء مینویسد: آنهای که از پوهنتون اخراج شدند عبارت بودند از: غلام حیدرداور، میرعلی احمدشامل زاده، عبدالحبیب صافی، محمدمحسن طاهری (برایدایم)، عبدالعظیم طاهری، محمداختربره کی، و علی اکبرشهرستانی (برای یک سال) یونس سرخابی از لیسسه استقلال اخراج و به میمنه تبعید شد. میرعلی احمدشامل زاده، صافی و شهرستانی و بوبرک کارمل بعداً برای مدتی زندانی گردیدند. داکترحمایت الله (اکرم) درحالی که هرگز از محصلین بخش اردو نبود بطورجزائی به حیث معلم بیولوژی به مکتب حربی فرستاده شد. (ص ۲۵۴)

مؤلف از قول پوهاندفاضل مینویسد که «سنگ تهداب احزاب چپ و راست درهمین جنبش اتحادیه محصلین گذاشته شد. همه جنبش ها و حرکات یکی بعد دیگری بوجود آمد و بحران تازه ای را ایجاد کرد و نا ارامی ها و نفاق های نوین، تبعیضات گوناگون و صدها بدبختی دیگر را بارآورد. همه بدبختی های ما زاده تربیت ناقص استبدادی درمکاتب و سویه تحصیلات عالی ماست.» (ص ۲۵۵)

دراین کتاب افزون برفعالیت های سیاسی چشم گیر اتحادیه محصلین، ازتشکیل احزاب سیاسی درحالت فقدان قانون احزاب نیز مطالب جالب و آموزنده ای ارائه شده است. داکترکاظم مینویسد: «بدون آنکه درافغانستان قانون احزاب موجودباشد، با استفاده از شرایط جدید، تشکیلاتی زیرنام "حزب" از طرف یک تعداد روشنفکران ایجاد گردید که اکثر درموقف ضدیت با نظام مطلقه شاهی قرارداشتند و حمایت خود را از یک نظام مشروطه توأم با آوردن بعضی تغییرات درقانون اساسی و ایجاد یک فضای دموکراتیک درکشورکه درآن عدالت اجتماعی و نقش مردم حاکم باشد، ابراز میکردند. این دوره

در تاریخ مشروطه خواهی کشور به حث دوره سوم مشروطه مسمی گردیده که متاسفانه دیردوام نکرد و مثل صاعقه ای زودگذر بود اما سالها بعد آثار آن به اشکال مختلف بروز نمود.

نویسنده می افزاید: «احزاب مشتکله در آغاز به نشر جراید آزاد پرداختند و از ذکر نام حزب در آن بطور علنی خود داری کردند و اما در بین مردم از همان مراحل اولی فعالیت جراید شان به حزب شهرت یافتند از جمله: با نشر جریده "نداء خلق" از طرف داکتر عبدالرحمن محمودی جریان فعالیت آن به «حزب خلق» مسمی گردید. و به همین ترتیب با نشر جریده "وطن" که صاحب امتیاز آن میر غلام محمد غبار بود، به "حزب وطن" شهرت یافت. "انگار" نام جریده حزب "ویش زلمیان یا جوانان بیدار" بود. حزب دموکرات ملی که به "کلوب ملی" شهرت یافته بود نیز یکی از احزاب فعالی بود که زیر نظر محمد داود (سردار) و عبدالمجید زابلی به فعالیت آغاز کرد که فاقد کدام نشریه خاص بود.» (ص ۲۵۶)

طبعاً هریک از این احزاب خود را خدمتگار واقعی مردم افغانستان و نمود میکردند، و اندیشه ها و برنامه ها و اهداف حزب را از طریق ارگان نشراتی خود به اطلاع مردم می رساندند. نویسندگان و شخصیت های سیاسی آن زمان در اطراف همین جراید گرد آمده و ابراز وجود میکردند. مطالعه مرام نامه ها ی هریک از احزاب فوق الذکر خطوط فکری احزاب را مشخص میسازد و سرانجام نمایندگان این احزاب مذکور در انتخابات دوره هفتم شورای ملی نمایندگان خود را کاندید و موفق به راه یافتن به شورای ملی گردیدند. (فصل هجدهم کتاب)

فصل نهم به انتخابات دوره هشتم شورا و مظاهرات گسترده و زندانی شدن سران و اعضای فعال احزاب خلق و وطن اختصاص یافته است که در عین کوتاهی محتویات از شور و هیجان فعالان سیاسی اجزاب وطن پرهبری غبار و حزب خلق برهبری محمودی حکایت میکند و سرانجام منجر به دستگیری و زندانی شدن عناصر فعال و موثر این دو حزب گردید.

مؤلف از قول فرهنگ مینویسد که: «از حزب وطن دوازده نفر هریک: میر غلا محمد غبار، سرور جويا، براتعلی تاج، عبدالحی عزیز، علی احمد نعیمی، داکتر قیوم رسول، سلطان احمد لویناب، داکتر ابوبکر، علی احمد خروش، عبدالحلیم عاطفی، داکتر فاروق اعتمادی، و میر محمد صدیق فرهنگ. از حزب خلق: داکتر عبدالرحمن محمودی، محمد عظیم محمودی، و فتح محمد بهسودی زندانی شدند. بر علاوه تعدادی از منسوبین اتحادیه محصلین نیز بازداشت و روانه زندان گردیدند. از جمله زندانیان ها البته بعضی ها بنابر دلایلی زودتر و بعضی تا سالهای دراز در حبس باقی ماندند. ناگفته نماند که چند نفر از حزب ویش زلمیان به شمول فیض محمدانگار نیز زندانی شدند و اما بعضی از سران دیگر آن حزب از جمله گل پاچا الفت، عبدالرووف بینوا، و نور محمد تره کی نه تنها زندانی نشدند، بلکه به مقامهای حکومتی در داخل و خارج مقرر گردیدند.» (ص ۳۰۱)

بدینسان کتاب حاوی مطالب و موضوعات بسیار جالبی است که مولف دانشمند آن را از منابع و ماخذ معتبر داخلی و خارجی و قسماً خاطرات و یاداشتهای رجال و شخصیت‌های مطرح در دولت آن زمان با دقت برداشت کرده و بازتاب داده است. و با شرح مختصری از بیوگرافی خود کتاب را به پایان برده است.

برای نویسنده دانشمند جناب داکتر سید عبدالله کاظم که در باره دورهٔ صدارت شاه محمود غازی مثل کتاب زندگانی سیاسی شهید داودخان پژوهشی عمیق و دقیقی انجام داده اند و این تالیف برای علاقمندان این دوره کمک فراوانی میکند، عمر مزیدتر و توفیق بیشتر آرزو میکنم.

پایان ۲۵ / ۱۱ / ۲۰۲۳

---

د پانو شمیره: له ۵ تر ۵

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو لو مخکې په څیر و لولئ